

تأثیر محتوای برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی منطقه دو شهر تهران^۱

مهدی سبحانی نژاد^۲

اشرف السادات حسینی^۳

چکیده

زمینه: امروزه بدیهی است که خلاقیت آموزش دادنی است و مختص برخی اشخاص نیست.
هدف: هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر محتوای برنامه درسی خلاقیت محور، بر رشد درک خلاق کودکان پیش دبستانی منطقه دو شهر تهران بوده است.
روش پژوهش: روش پژوهش، از نوع تجربی مقدماتی یا طرح یک گروهی پیش‌آزمون-پس‌آزمون، است. جامعه آماری این پژوهش شامل، کلیه کودکان پیش دبستانی منطقه دو شهر تهران، با جمعیتی بالغ بر ۲۴۳۳ نفر بوده است. از بین مناطق جامعه آماری موردنظر، منطقه دو و از بین مجموعه مراکز پیش دبستانی آن منطقه، یک مرکز پیش دبستانی به تصادف انتخاب و در مرکز مذکور، کلاس پیش دبستانی دو، شامل ۱۸ دانش آموز دختر و پسر، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.
یافته‌های پژوهش: اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعدها سیالی و ابتکار تأثیر معنادار مثبت داشته است. از سوی دیگر، اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان پیش دبستانی در بعد تخیل، تأثیر معناداری نداشته است.

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

۲. استاد دانشگاه شاهد sobhaninejad@shahed.ac.ir

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد (نویسنده مسئول) a_hosseini7007@yahoo.com

نتیجه‌گیری: درنهایت، فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان پیش‌دبستانی در دو بعد سیالی و ابتکار تأیید گردید که نشانگر تأثیر مثبت برنامه مذکور بر میزان خلاقیت کودکان در جامعه یادشده است.

کلیدواژه(گان): خلاقیت، درک خلاق، برنامه درسی خلاقیت‌محور، پیش‌دبستان، تجربی مقدماتی، تورنس.

مقدمه

امروزه روشن‌شده است که می‌توان خلاقیت را آموزش داد. برای آموزش خلاقیت، الگوهایی در نظر گرفته می‌شود و این بدین معنی است که خلاقیت، فقط برای افراد خاص نیست. محققان معتقدند خلاقیت، مانند هر نیروی بالقوه‌ای در همه افراد وجود دارد و پرورش دانی است؛ اگرچه میزان برخورداری افراد از قوه خلاقه، متفاوت است (استجانوا، ۲۰۱۰).

بسیاری از مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد خلاقیت تنها برای اطفال نوپا در خصوص یادگیری نوشتن یا اسم بردن رنگ‌ها مفید نیست، بلکه به بچه‌ها کمک می‌کند ایده‌های جدید را سریع‌تر بفهمند و خودی نشان دهند. همچنین به آن‌ها کمک می‌کند بیش‌تر حال و هوای خود، مردم و دنیای اطرافشان را درک کنند. به این وسیله، آن‌ها مهارت‌های اجتماعی خود را نیز توسعه می‌دهند (ویلسون، ۱۳۹۱).

بعد از خانواده، مدرسه، اولین مکانی است که کودک در آن به‌طور رسمی به‌سوی آموزش گام برمی‌دارد. مدرسه به همان اندازه که می‌تواند موجب توسعه خلاقیت شود، می‌تواند مانع یا از بین برنده خلاقیت نیز باشد؛ از این‌رو، پرداختن به آموزش یا محتوای خلاقیت‌محور، از همان پایه‌های ابتدایی تحصیل ضروری می‌نماید. اولین تجربه کودک از محیط آموزشی، در اکثر موارد، دوره پیش‌دبستانی است؛ همچنین این نکته حائز اهمیت است که از مهم‌ترین ویژگی کودکان در دوره آمادگی، برخورداری از قوه خلاقیت مطلوب است.

از آنجا که سال‌های اولیه‌ی زندگی کودک، زیربنای تکوین شخصیت اوست؛ چنانچه تعلیم و تربیت کودک در دوران سیادت، مبتنی بر فطرت الهی، به‌خوبی سامان یابد، امید می‌رود در آینده، سرشت حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، عبودیت و ... در او بروز نماید؛ از این‌رو، برنامه و فعالیت‌های دوره‌ی پیش‌دبستان با رویکرد «شکوفایی فطرت الهی» طراحی و تدوین می‌گردد (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵).

دوره‌ی پیش‌دبستانی به دوره‌ی دوساله‌ای اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی چهار تا شش سال را تحت پوشش برنامه‌های تربیتی قرار می‌دهد (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰).

در تعریف خلاقیت اشاره شده که آفرینش یا خلاقیت، فرآیند تغییر، توسعه و تکامل فرد در سازمان‌دهی حیات ذهنی است و در خلال عمل خلاق، اشیاء یا نمادهایی تغییر یافته و رویداد عملی جدید، برای فرد یا محیط وی به وجود می‌آید (امیرحسینی، ۱۳۸۵، صص. ۴-۷).

از کارهای مهمی که برای آموزش خلاقیت در کودکان لازم است، تغییر کلی در روش کار معلم و انتظارات نظام آموزشی از دانش‌آموز است. باید مقداری از وقت کلاس را، اختصاص به فعالیت‌هایی داد که به رشد خلاقیت مربوط می‌شوند. البته این کار را نمی‌توان، با اختصاص یک یا دو ساعت در هفته به آموزش خلاقیت انجام داد؛ بلکه باید نحوه‌ی تفکر واگرا را در تمام شئون آموزش، وارد کرد؛ یعنی، در تدریس و آموزش تمام دروس، علاوه بر بسط تفکر همگرا، بسط تفکر واگرا نیز مدنظر معلم باشد. از دانش‌آموزان خواسته شود که عقاید و راه‌حل‌های خود را، هرچند عجیب و غیرمنتظره باشند، بیان کنند. حتی، دانش‌آموز، می‌تواند درباره‌ی نحوه‌ی تدریس معلم و امکانات تغییر یا بهبود آن اظهارنظر کند. معلم، باید سعی کند که کلاس را از حالت قالبی و خشک آن خارج کند و اعتماد به نفس، نوآوری، آزاداندیشی و نظایر آن را در دانش‌آموزان پرورش دهد. دانش‌آموز باید بیاموزد که هر فرد، با افراد دیگر تفاوت دارد و می‌تواند دارای عقاید و نظرات مختلف و متفاوتی باشد. باید یاد داد که مطالب کتاب‌های درسی الزاماً صددرصد صحیح و تغییرپذیر نیستند و هر عقیده یا نظریه‌ی جدیدی که

بهتر از عقاید قبلی باشد، می‌تواند جای آن‌ها را بگیرد. حال این عقیده، چه از طرف دانشمندان ارائه شود و چه از سوی دانش‌آموزان مطرح گردد؛ دانش‌آموز باید بداند و آگاه شود که اندیشیدن و ارائه نظرهایی که مخالف نظرات کتاب‌ها و بزرگ‌ترها باشند، به شرط برخورداری از منطق و دلیل کافی، نه تنها گناه نیست، بلکه ممکن است بسیار سودمند باشد. دانش‌آموزان باید این واقعیت را درک کنند که پیشرفت و تحول زندگی بشر، نتیجه افکار خلاق و جدید بوده است، نه ثمره پیروی بی‌چون و چرا از معیارها و چارچوب‌های قدیم (سام خانیان، ۱۳۸۱).

پژوهش حاضر، بر این فرضیه استوار است که اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت‌محور، بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی تأثیر معنادار مثبت دارد.

مروری محدود بر پیشینه پژوهش‌های انجام شده در داخل، چون؛ امیری و اسعدی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان روند تحولی خلاقیت در کودکان که روی ۲۴۰ کودک مقطع ابتدایی و پیش‌دبستان انجام شد، نشان داد که خلاقیت در کودکان از روندی تحولی پیروی می‌کند. حسینی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش‌آموزان نشان داد که برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر است. همچنین برنامه آموزش خلاقیت در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است؛ اما تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر خودپنداره دانش‌آموزان رد گردید. عزیززاده (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش خلاقیت بر افزایش نگرش کارآفرینانه بیکاران شهر تهران نشان داد که اثربخشی آموزش خلاقیت بر نگرش کارآفرینانه، در سطح ۰/۰۵ آماری تأیید گردید. علی‌یاری (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی مبانی فلسفی خلاقیت از نظر کاربرد آن در روش‌های تدریس از روش توصیفی - تحلیلی (شیوه تحلیل هم به صورت تحلیل عقلانی است) استفاده کرده است که در دو بخش انجام گرفته است. بخش اول، شناسایی مبانی و بخش دوم، استفاده و کاربرد هر مبنا در فرآیند تدریس است. پیری و ادیب (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان الگوی بهینه برنامه درسی برای دوره پیش از دبستان نشان داد که در «الگوی برنامه درسی رشد گرا و خلاقیت‌محور» برای کودکان دوزبانه آذربایجان و

منطبق ساختن آن با سرفصل‌های دروس ابتدائی به رشد همه‌جانبه کودک و خلاقیت توجه بیشتر شده است. روش تحلیلی و استنتاجی، برای تعیین عناصر الگوی بهینه و روش پیمایشی برای اعتباریابی الگو استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عناصر الگوی بهینه برنامه درسی شامل، اهداف کلی و جزئی، محتوا، سازمان‌دهی محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های آموزشی و پرورشی، ارزشیابی، نقش مربی، نقش مدیر، نقش والدین در الگوی پیشنهادی است. نوفرستی، حمید پور و دروگر (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه بین گفتار خصوصی و خلاقیت در کودکان پیش‌دبستانی نشان دادند که بین گفتار خصوصی و خلاقیت رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، بین دو جنس، از نظر گفتار خصوصی تفاوت معناداری مشاهده نشده؛ اما پسران در مقیاس خلاقیت نمرات بالاتری به دست آورده‌اند. مزیدی و گلزاری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه‌های خلاقیت نشان دادند که میزان توجه به خلاقیت در کتاب‌های اول و دوم ابتدایی در حد پایین‌تر از متوسط (ضریب درگیری پایین‌تر از ۱) و کتاب‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی در حد بالاتر از متوسط (ضریب درگیری بالاتر از ۱) بود؛ اما کتاب‌های مورد مطالعه از لحاظ توجه به مؤلفه‌های خلاقیت، به‌خصوص در بخش متن درس‌ها و تصاویر، نیاز به بازنگری و اصلاحات اساسی دارند. کلانتر قریشی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان رابطه صفات شخصیتی و خلاقیت در نوجوانان نشان دادند که وجدانی بودن، گشودگی به تجربه و توافق‌پذیری با خلاقیت رابطه مستقیم، معنادار و روان رنجور خوبی با خلاقیت رابطه معکوس و معنادار دارند. از بین صفات شخصیتی، تنها وجدانی بودن و روان رنجور خوبی به‌طور معنادار توان پیش‌بینی خلاقیت را دارند. سعادت‌مند و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان نیازسنجی برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی تحت نظر آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران و مربیان شهر اصفهان نشان دادند که نیاز برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی به ترتیب اولویت، بهداشت و ایمنی با میانگین ۴/۵۹، مهارت‌های زبانی با میانگین ۴/۵۵، فرهنگ شهروندی با میانگین ۴/۴۲، هنر و خلاقیت با میانگین ۴/۰۹، تربیت بدنی و جسمی با میانگین ۴/۰۶ و آموزش

دینی و مذهبی با میانگین ۳/۸۷، بیش از سطح متوسط بودند. آزمون فریدمن (در سطح $p > 0.05$) معنادار و t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای پنج درصد بزرگتر بود. لذا میزان نیاز به برنامه درسی از دید مدیران و مربیان بیش از سطح متوسط بود. نادری و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران نشان دادند که در مجموع، اعتبار و اعتمادپذیری برنامه فلسفه برای کودکان را در پرورش خلاقیت و چهار مؤلفه اصلی آن، یعنی سیالی و بسط و ابتکار و انعطاف‌پذیری، تأیید کرد. داوودی و مقیمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی مدل فعالیت‌های یادگیری خلاقیت‌محور در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ساوه، نشان دادند که آموزش مهارت‌های یادگیری بر مهارت‌های شناختی، مهارت‌های عاطفی و مهارت‌های فراشناختی تأثیر معناداری داشت. در نهایت تأثیر معناداری بین مهارت‌های یادگیری و خلاقیت وجود داشت؛ نشان می‌دهد که پژوهشی با این عنوان در بین عناوین مرور شده به چشم نمی‌خورد و تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مطرح‌شده، تأکید بر نقش معلم است، به‌عنوان دنیایی از تجربه که خود می‌تواند به‌سادگی از هیچ، همه بسازد. در فضای کلاس، کودکان را به گردش علمی دعوت کند و همگی باهم در کلاس خود، به گردش علمی بروند. معلمی که سعی دارد به هر طریق، کودکان را از چارچوب‌های ذهنی معمول، دور سازد و آن‌ها را وارد دنیای جذاب خلاقیت نماید. چنین معلمی، می‌تواند توانایی‌های خود و کودک را ارتقاء بخشد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد پژوهش حاضر که در سایر پژوهش‌ها به چشم نمی‌خورد، این است که برنامه درسی خلاقیت محور طراحی شده، دقیقاً بر اساس مؤلفه‌هایی است که در آزمون تورنس مطرح است [سیالی^۱، ابتکار^۲ و تخیل^۳]؛ یعنی، همان آزمونی که برای به دست آوردن نمره خلاقیت کودکان، در پژوهش حاضر به کار رفته است.

-
1. fluency
 2. originality
 3. imagination

از سوی دیگر مروری محدود بر پژوهش‌های خارجی، چون؛ مارک ای. رانکو (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «خلاقیت و آموزش و پرورش»، نشان داد که تک‌تک افراد از اهمیت بالایی برخوردار هستند و هر یک از دانش‌آموزان شخصیت منحصر به فرد خود را دارا هستند. همه کودکان و دانش‌آموزان به نوعی کم یا زیاد دارای خلاقیت هستند؛ این امر ارتباطی با هوش ندارد. مریان باید به افراد به صورت خاص نظر داشته باشند و بدانند خلاقیت به طور گسترده‌ای توزیع یافته است. استوجانوا (2010)، در مقاله‌ای با عنوان «توسعه خلاقیت به عنوان وظیفه اساسی آموزش و پرورش مدرن»، نشان داد که هدف نهایی سیستم آموزش و پرورش باید، توسعه مستقل، آزاد، بردبار و خلاق جوانان باشد تا آن‌ها بتوانند نیازهای خود را برآورده سازند؛ همچنین، نیازهای جامعه مدرن در خصوص خلاقیت، اساس و مبنایی برای توسعه محسوب می‌شود. شین (2010)، در مقاله‌ای با عنوان «خلاقیت و آموزش و پرورش»، اشاره داشته است بر ارتباط بین خلاقیت و آموزش و تغییرات احتمالی در این ارتباط. اُنگون و همکاران (2011)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه‌ای در خصوص درک دانش‌آموزان پایه هشتم از چشم‌اندازهای فرهنگی - اجتماعی خلاقیت، همراه با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات در تحقق اهداف مربوط به مشق شب»، نشان داد که دانش‌آموزان بدون لحاظ جنسیت، از به کارگیری تحقیقات و اطلاعات اینترنتی یا غیر اینترنتی لذت می‌برند و روش‌های حل مسئله‌ای اتخاذ می‌نمایند؛ از این طریق است که دانش‌آموزان اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند. چونگ و موک (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی درک خلاق معلمان دوره ابتدایی از خلاقیت در هنگ کنگ»، نشان داد که در بررسی تازگی، محصول، حل مسئله، فرآیندهای شناختی و ویژگی‌های شخصی، محصول اهمیت کمتری دارد نسبت به فرآیندهای شناختی افراد و ویژگی‌های شخصی؛ و معلمان با زمینه‌های آموزشی و تدریسی مختلف، تقریباً در همه ابعاد یکسان بوده‌اند. چو و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت خلاقیت دانش‌آموز در تنظیمات کلاس درس: مطالعه موردی مدارس ابتدایی کره»، نشان داد که سه نوع خلاقیت در حال ظهور در فرآیند یاددهی یادگیری وجود دارد. این سه نوع خلاقیت عبارت‌اند از: خلاقیت اکتشافی که

مربوط به افکار دانش‌آموزان در مورد یک مفهوم جدید که بر پایه تجربه‌شان است؛ خلاقیت تفسیری که بر پایه دانش است؛ و در نهایت خلاقیت یکپارچه که تولید راه‌حل‌های جدید یا محصولات جدید بر پایه دانش درونی شده دانش‌آموزان است. نتایج مطالعه، معلمان را به چالش خواهد کشاند تا موارد خلاقیت دانش‌آموز را در شرایط یاددهی یادگیری‌شان پیدا کنند و زمانی که آن‌ها اطلاعات یا مواد مربوط به محتواهای برنامه درسی را تفسیر می‌کنند، خلاقیت دانش‌آموز را تسهیل نمایند. هو و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «افزایش خلاقیت علمی دانش‌آموزان»، نشان داد که برنامه مذکور (LTT) توسعه خلاقیت علمی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را ارتقاء بخشیده است؛ و اثرات این برنامه الزاماً ناگهانی نخواهد بود، بلکه به صورت درازمدت است؛ نشان می‌دهد که در میان عناوین مرور شده نیز عنوانی، نظیر عنوان پژوهش حاضر، به چشم نمی‌خورد. با توجه به موارد فوق، پژوهش حاضر درصدد، روشن ساختن تأثیر محتوای برنامه درسی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی شهر تهران بوده است.

پژوهش پیری و ادیب (۱۳۸۸)، به دنبال ایجاد و اجرای الگوی بهینه برنامه درسی است که یک الگوی خلاقیت‌محور محسوب می‌گردد؛ و همه عناصر برنامه درسی را تحت تأثیر این الگو قرار می‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد در این اثر، نقش معلم نادیده انگاشته شده است. مشاهده شده است که گاهی معلمان در اجرای یک برنامه خلاق آن‌قدر ناخواسته دچار اشتباه می‌شوند که عملاً خلاقیت‌گشی توسط آن‌ها صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، در انجام کولاژ (بریدن و چسباندن تکه‌های مختلف) صورت انسان، معلم برای لب، کاغذ قرمز و برای چشم و ابرو، کاغذ مشکی در اختیار کودک قرار می‌دهد. همین موضوع موجب می‌شود تا ساختارهای قالب به کودک القاء گردد و کودک هر چه بیشتر از خلاقیت خویش دور شود.

نکته دیگر این است که در این اثر امکانات مادی مورد توجه هستند؛ در صورتی که پژوهش حاضر تأکید بر نقش معلم، به عنوان دنیایی از تجربه، دارد؛ که خود می‌تواند به سادگی از هیچ، همه بسازد. در فضای کلاس کودکان را به گردش علمی دعوت کند و همگی با هم در کلاس

خود به گردش علمی بروند. معلمی که سعی دارد به هر طریقی کودکان را از چهارچوب‌های ذهنی معمول دور سازد و آن‌ها را وارد دنیای جذاب خلاقیت نماید. چنین معلمی می‌تواند توانایی‌های خود و کودک را ارتقاء بخشد؛ اما پژوهش حسینی (۱۳۸۶) و رانکو (۲۰۰۸) تا حدودی در راستای پژوهش حاضر قرار دارند. در پژوهش نخست، نشان داده شده است که افزایش خلاقیت معلم، موجب افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؛ و این دقیقاً همان نکته‌ای است که در پژوهش حاضر، ضمن نظریه تورنس، مهم تلقی شده است. این معلم است که با تفکر و شیوه‌های خلاقانه خود، می‌تواند دانش‌آموزانی خلاق تربیت نماید. هرچند که پژوهش حاضر نیز مانند پژوهش دوم (رانکو)، بر این نکته تأکید می‌ورزد که همه افراد دارای قوه خلاقه هستند و تفاوت در میزان برخورداری آنان از خلاقیت است.

به هر صورت، تا به حال پژوهشی با این عنوان مشاهده نگردیده است. یکی از ویژگی‌های پژوهش حاضر که قبلاً به آن اشاره شد و در سایر پژوهش‌ها به چشم نمی‌خورد، این است که برنامه درسی خلاقیت‌محور طراحی شده، دقیقاً بر اساس مؤلفه‌هایی است که در آزمون تورنس مطرح است (سیالی، ابتکار و تخیل)؛ یعنی همان آزمونی که برای به دست آوردن نمره خلاقیت کودکان در پژوهش حاضر به کاررفته است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، در بعد سیالی تأثیر دارد.
- ۲- اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، در بعد ابتکار تأثیر دارد.
- ۳- اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، در بعد تخیل تأثیر دارد.

۴- اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی، تأثیر دارد.

روش پژوهش

- روش پژوهش، از نوع تجربی مقدماتی یا طرح یک گروهی پیش آزمون - پس آزمون، بوده است. لذا در پژوهش حاضر طی سه مرحله کار انجام گرفته است که به شرح زیر است:
۱. اجرای پیش آزمون برای اندازه گیری متغیر وابسته؛
 ۲. انجام عمل آزمایشی (متغیر مستقل) بر روی شرکت کنندگان (اجرای طرح آموزشی طراحی شده توسط محقق، برای کودکان گروه مورد آزمایش)؛
 ۳. اجرای پس آزمون؛ که مجدداً متغیر وابسته را اندازه می گیرد. آثار عمل آزمایشی از طریق مقایسه نمره های پیش آزمون و پس آزمون مشخص می شود.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل؛ کلیه کودکان دوره پیش دبستانی منطقه دو شهر تهران؛ با جمعیتی بالغ بر ۲۴۳۳ نفر بوده است. از بین مناطق جامعه آماری مورد نظر، منطقه دو و از بین مجموعه مراکز پیش دبستانی آن منطقه، یک مرکز پیش دبستانی (مرکز مهد و پیش دبستانی عاطفه، نمونه مورد نظر بوده است که تحت نظارت رسمی سازمان بهزیستی کشور است) به تصادف انتخاب و در مرکز مذکور، کلاس پیش دبستانی ۲، شامل ۱۸ دانش آموز دختر و پسر، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده اند؛ تعداد دانش آموزان کلاس مذکور به تفکیک جنسیت شامل ۶ دختر و ۱۲ پسر بوده است.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر، از آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت تورنس استفاده شده است که به عنوان متداول ترین و مناسب ترین شیوه، برای سنجش خلاقیت کودکان پیش دبستانی مطرح است. این آزمون به کودکان اجازه می دهد که عناصر یا مؤلفه های عمده در خلاقیت، یعنی سیالی (روانی)، ابتکار (اصالت) و تخیل را در حرکات، کلمات یا ترکیبی از هر دو به منصفه ظهور گذارند؛ هر چند که عامل حرکتی جنبشی، بیشتر مورد نظر است. این آزمون برای کودکان در گستره سنی سه تا هشت سال طراحی شده است و اجرای آن برای هر فرد، به ۱۵ تا ۳۰ دقیقه زمان، نیاز دارد. آزمون، برای کلیه کودکان، به خصوص برای کسانی که نمی توانند یا نمی خواهند با آزمون گر ارتباط برقرار کنند، بسیار مفید است و می تواند با کمترین امکانات مورد استفاده قرار گیرد و شامل چهار فعالیت (خرده مقیاس یا زیر آزمون) است که عبارت اند از: به چند طریق دیگر؟ (فعالیت شماره یک)، آیا می توانی مثل ... حرکت کنی؟ (فعالیت شماره دو)، چه راه های دیگری؟ (فعالیت شماره سه) و آنچه چیزی ممکن است باشد؟ (فعالیت شماره چهار). آزمون تورنس، در سال ۱۳۷۹ در ایران هنجاریابی شد. نتایج این هنجاریابی نشان می دهد که پایایی این آزمون از طریق روش همبستگی دو نیمه آزمون، ۰/۸۱ درصد است (سیدان، ۱۳۷۹). روایی آزمون فوق در پژوهش سیدان (۱۳۷۹)، ۰/۷۵ به دست آمده است.

برنامه و روش اجرا

در ابتدا، جلسه معارفه ای بین محقق و کودکان صورت گرفت. پس از جلسه مذکور، پیش آزمون، برای هر یک از کودکان انجام شد و برای کنترل عوامل مداخله گر، آزمون، برای هر کودک، در کلاس در بسته ای که تنها افراد حاضر در آن محقق و کودک آزمون شونده بودند، برگزار گشت. پس از انجام پیش آزمون، ارائه محتوای طراحی شده، به مدت شش هفته و در هر هفته، سه جلسه یک ساعته آغاز گردید. موارد مطرح در محتوای مذکور شامل؛ پرسش سوالات باز (به عنوان مثال، چه می شود اگر به جای دست، دو بال داشتید؟)، رسم نقاشی (شامل

موضوعاتی که در خصوص واحد کار خاص، چهارچوب فکری کودک را از حالت معمول خارج نماید و او را به دنیایی متفاوت بکشاند)، ارائه قصه ناتمام و تکمیل آن توسط کودکان و اجرای پانتومیم و نمایش خلاق بوده است.

در تمام منابع، برای یک برنامه خلاق در سطح پیش دبستان، معمولاً نمایش، نقاشی و ... در نظر گرفته شده است؛ اما نکته‌ای که محتوای طراحی شده حاضر را از سایر منابع متمایز می‌سازد، تأکید بر نظریه خلاقیت تورنس است. این نظریه، خلاقیت را شامل سه بعد سیالی، ابتکار و تخیل می‌داند. سیالی، تعداد پاسخ‌ها است؛ ابتکار، تنوع پاسخ‌ها است و تخیل نیز، همان‌طور که نامیده شده است، قدرت تخیل در انجام هر عمل را می‌سنجد. این سه بعد در تمام موضوعات درسی لحاظ گردیده‌اند؛ یعنی، در هر موضوع درسی، تقویت هر سه عنصر سیالی، ابتکار و تخیل مورد نظر بوده است.

در سناریوی طراحی شده علاوه بر نظریه تورنس، نکات مطرح در خصوص رشد بیان خلاق کودکان نیز به کار گرفته شده؛ که در فصل دوم، به تفصیل مطرح گشت. برای مثال، بازی «حدس بزن این چیه؟» الهام گرفته شده از همین نکات است؛ و نیز مهم‌ترین تکنیکی که خصوصاً برای تقویت قدرت تخیل و یا خارج‌سازی کودکان از چهارچوب‌های ذهنی معمول استفاده شده است، استفاده از سؤال «چه می‌شود اگر...؟» است.

در محتوای حاضر شش واحد کار در نظر گرفته شده‌اند؛ که بر اساس برنامه‌های هفتگی مرکز پیش دبستانی تدوین گردیده‌اند. منظور از واحد کار، آن موضوع درسی است که توسط مربی به کودکان آموزش داده می‌شود.

در نهایت، پس از ارائه محتوای برنامه درسی خلاقیت‌محور، پس‌آزمون به اجرا درآمد. انجام پس‌آزمون، دقیقاً مطابق با شرایط حاکم بر پیش‌آزمون، پس از اجرای محتوای طراحی شده، صورت گرفت. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل‌های آماری صورت گرفت؛ تا مشخص گردد که آیا محتوای برنامه درسی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی شهر تهران تأثیری داشته است یا خیر.

شیوه گردآوری داده

از بین مراکز پیش دبستانی منطقه دو تهران، مرکز مهد و پیش دبستانی «عاطفه» اعلام همکاری نمود. پس از اجرای پیش آزمون، محتوای طراحی شده ارائه گشت؛ این محتوا، بر اساس شش واحد کار؛ اعضای بدن، خانواده، بهداشت، محرم، پوشاک و زمستان بوده است. در هر یک از واحد کارها، تلاش گردید تا ارتقای سطح هر سه بعد مورد نظر در آزمون تورنس (سیالی، ابتکار و تخیل)، در نظر گرفته شوند.

روش تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها

تحلیل در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. در سطح توصیفی انواع شاخص‌های پراکندگی چون؛ میانگین، انحراف معیار و ...؛ و در سطح استنباطی بیشتر از آزمون t (گروه‌های همبسته)، برای طرح پیش آزمون- پس آزمون به کار گرفته شده است. در خصوص نمره گذاری آزمون خلاقیت که در پیش و پس آزمون به کار گرفته شده است، برای محاسبه نمره بعد سیالی، تعداد پاسخ‌ها، ملاک بوده است؛ برای بعد ابتکار، امتیازبندی از صفر تا سه تورنس و برای بعد تخیل، از امتیازبندی یک تا پنج تورنس استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جنسیت: به منظور بررسی میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در پیش آزمون بر حسب جنسیت، از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده گردید؛ که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

بررسی نتایج ارائه شده در جدول شماره ۱، در خصوص میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پیش آزمون بر حسب جنسیت، حاکی از آن است که مقدار آماره به دست آمده برای مؤلفه‌های سیالی ($t=0/50$ ، $sig=0/958$)، تخیل ($t=0/14$ ، $sig=0/887$) و همچنین در مجموع مؤلفه‌های مورد بررسی ($t=0/65$ ، $sig=0/523$)، فاقد معناداری آماری بوده و از این رو بیانگر عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در

مرحله پیش‌آزمون برحسب جنسیت، در مؤلفه‌های سیالی، تخیل و همچنین در مجموع مؤلفه‌های موردبررسی است. از سوی دیگر، نتایج نشان‌دهنده آن است که مقدار آماره به‌دست‌آمده برای مؤلفه‌اینگار ($t=2/34$ ، $sig=0/032$)، به لحاظ آماری معنادار بوده و بیانگر آن است که میزان درک خلاق کودکان پسر دوره پیش‌دبستانی، در مرحله پیش‌آزمون، به‌طور معناداری بیشتر از میزان درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، در مرحله پیش‌آزمون بوده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی گروه‌های مستقل مربوط به میزان درک خلاق کودکان دوره

پیش‌دبستانی در مرحله پیش‌آزمون برحسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig	همسانی واریانس	
									sig	F
سیالی	دختر	۶	۲۵/۰۰	۹/۴۸	۳/۸۷	۰/۰۵	۱۶	۰/۹۵۸	۰/۰۰۴	۰/۹۴۹
	پسر	۱۲	۲۴/۷۵	۹/۳۷	۲/۷۰					
اینگار	دختر	۶	۸/۳۳	۴/۲۷	۱/۷۴	-۲/۳۴	۱۶	۰/۰۳۲	۰/۱۴۶	۰/۷۰۷
	پسر	۱۲	۱۳/۵۰	۴/۴۶	۱/۲۸					
تخیل	دختر	۶	۱۹/۵۰	۳/۳۹	۱/۳۸	-۰/۱۴	۱۶	۰/۸۸۷	۱/۰۱۸	۰/۳۲۸
	پسر	۱۲	۱۹/۸۳	۵/۰۶	۱/۴۶					
کل (درک خلاق)	دختر	۶	۵۲/۸۳	۱۶/۰۳	۶/۵۴	-۰/۶۵	۱۶	۰/۵۲۳	۰/۰۰۶	۰/۹۳۹
	پسر	۱۲	۵۸/۰۸	۱۶/۰۷	۴/۶۴					

$P \leq 0/05$ * $P \leq 0/01$ **

مقایسه میزان درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی در مرحله پس‌آزمون، برحسب

جنسیت

جنسیت: به منظور بررسی میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پس آزمون، بر حسب جنسیت، از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده گردید؛ که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی گروه‌های مستقل مربوط به میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پس آزمون، بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig	همسانی واریانس	همسانی
									F	sig
سیالی	دختر	۶	۴۲/۳۳	۱۴/۵۰	۵/۹۱	۰/۲۹	۱۶	۰/۷۷۴	۰/۲۸۷	۰/۵۹۹
	پسر	۱۲	۴۰/۲۵	۱۴/۱۶	۴/۰۹					
ابتکار	دختر	۶	۲۰/۳۳	۹/۵۲	۳/۸۸	-۰/۶۰	۱۶	۰/۵۵۵	۰/۳۸۷	۰/۵۴۲
	پسر	۱۲	۲۳/۵۰	۱۰/۹۲	۳/۱۵					
تخیل	دختر	۶	۲۰/۵۰	۳/۹۸	۱/۶۲	۰/۹۶	۱۶	۰/۳۵۰	۰/۰۴۶	۰/۸۳۳
	پسر	۱۲	۱۸/۶۶	۳/۷۲	۱/۰۷					
کل (درک خلاق)	دختر	۶	۸۳/۱۶	۲۶/۸۵	۱۰/۹۶	۰/۰۵	۱۶	۰/۹۵۴	۰/۳۲۷	۰/۵۷۵
	پسر	۱۲	۸۲/۴۱	۲۵/۴۲	۷/۳۳					

$P \leq 0.05$ * $P \leq 0.01$ **

بررسی نتایج ارائه شده در جدول شماره ۲ در خصوص میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پس آزمون، بر حسب جنسیت، حاکی از آن است که مقدار آماره به دست آمده برای مؤلفه‌های سیالی ($t=0.29$ ، $sig=0.774$)، ابتکار ($t=-0.60$ ، $sig=0.555$)، تخیل ($t=0.96$ ، $sig=0.350$) و همچنین در مجموع مؤلفه‌های مورد بررسی ($t=0.05$ ، $sig=0.954$)، فاقد معناداری آماری بوده؛ از این رو بیانگر عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پس آزمون، بر حسب جنسیت در مؤلفه‌های سیالی، ابتکار، تخیل و همچنین در مجموع مؤلفه‌های مورد بررسی بوده است.

همسانی درونی: می توان با استناد به موارد و مقادیر مربوط به F و سطح معناداری آن در همه مؤلفه ها و در مراحل پیش آزمون و پس آزمون که در جدول های یک و دو مطرح گردیده اند، اذعان داشت که با توجه به این که مقدار F معنادار نیست، همسانی واریانس رعایت شده است.

بررسی فرضیه شماره یک: اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی تأثیر دارد.

به منظور بررسی فرضیه شماره یک پژوهش، مبنی بر بررسی تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی، پس از اجرای سناریوی برنامه درسی خلاقیت محور، تحلیل انجام شده پیرامون این سؤال در قالب شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد) و نتایج تحلیل های آمار استنباطی (آزمون تی همبسته) در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳. شاخص های توصیفی و نتایج آزمون تی همبسته مربوط به تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig
۱۸	۲۴/۸۳	۹/۱۲	۲/۱۵	-۵/۷۱**	۱۷	۰/۰۰۰
۱۸	۴۰/۹۴	۱۳/۸۸	۳/۲۷			

$$P \leq 0/05 * P \leq 0/01 **$$

بررسی نتایج ارائه شده در جدول شماره ۳ در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی، حاکی از آن است که مقدار آماره به دست آمده ($t = -5/71$) در سطح معناداری $P \leq 0/01$ به لحاظ آماری معنادار بوده ($sig = 0/000$)؛ از این رو فرض صفر، مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی، در بعد سیالی در مرحله پیش آزمون و پس آزمون رد شده

و فرض خلاف، مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی در مرحله پیش آزمون و پس آزمون تأیید گردید.

نتایج نشان دهنده آن است که میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی در مرحله پس آزمون (میانگین ۴۰/۹۴)، به طور معناداری بیشتر از مرحله پیش آزمون (۲۴/۸۳) بوده؛ که بیانگر تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی بوده است.

بررسی فرضیه شماره دو: اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد ابتکار تأثیر دارد.

به منظور بررسی فرضیه شماره دو پژوهش، مبنی بر بررسی تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد ابتکار، پس از اجرای سناریوی برنامه درسی خلاقیت محور، تحلیل انجام شده پیرامون این سؤال، در قالب شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد)؛ و نتایج تحلیل های آمار استنباطی (آزمون تی همبسته) در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴. شاخص های توصیفی و نتایج آزمون تی همبسته مربوط به تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی، در بعد ابتکار

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig
۱۸	۱۱/۷۷	۴/۹۵	۱/۱۶			
۱۸	۲۲/۴۴	۱۰/۳۰	۲/۴۲	-۴/۹۶**	۱۷	۰/۰۰۰

$P \leq 0.05$ * $P \leq 0.01$ **

بررسی نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴ در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد ابتکار، حاکی از آن است که مقدار آماره به دست آمده ($t = -4.96$) در سطح معناداری $P \leq 0.01$ ، به لحاظ آماری معنادار بوده ($sig = 0.000$)؛ از این رو فرض صفر، مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان

خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی، در بعد ابتکار، در مرحله پیش آزمون و پس آزمون رد شده و فرض خلاف، مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در بعد ابتکار، در مرحله پیش آزمون و پس آزمون تأیید گردید.

نتایج نشان دهنده آن است که میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی، در بعد ابتکار، در مرحله پس آزمون (میانگین ۲۲/۴۴)، به طور معناداری بیشتر از مرحله پیش آزمون (۱۱/۷۷) بوده؛ که بیانگر تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی، در بعد ابتکار بوده است.

بررسی فرضیه شماره سه: اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد تخیل تأثیر دارد.

به منظور بررسی فرضیه شماره سه پژوهش، مبنی بر بررسی تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد تخیل، پس از اجرای سناریوی برنامه درسی خلاقیت محور، تحلیل انجام شده پیرامون این سؤال در قالب شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد)؛ و نتایج تحلیل های آمار استنباطی (آزمون تی همبسته) در جدول شماره ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵. شاخص های توصیفی و نتایج آزمون تی همبسته مربوط به تأثیر اجرای طرح برنامه درسی

خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی، در بعد تخیل

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig
۱۸	۱۹/۷۲	۴/۴۶	۱/۰۵	۰/۴۱	۱۷	۰/۳۴۲
۱۸	۱۹/۲۷	۳/۸۰	۰/۸۹			

$P \leq 0.05$ * $P \leq 0.01$ **

بررسی نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵، در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد تخیل، حاکی از آن است که مقدار آماره به دست آمده ($t=0.41$)، در سطح معناداری $P \leq 0.05$ ، فاقد معناداری

آماري بوده ($\text{sig}=0/342$)؛ از این رو فرض صفر، مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش‌دبستانی در بعد تخیل، در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون رد نگردیده است.

نتایج نشان‌دهنده آن است که بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش‌دبستانی در بعد تخیل، در مرحله پس‌آزمون (میانگین ۱۹/۲۹) و پیش‌آزمون (۱۹/۷۲)، تفاوت معناداری وجود نداشته؛ که بیانگر عدم تأثیر اجرای طرح برنامه‌دستی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، در بعد تخیل بوده است.

بررسی فرضیه شماره چهار: اجرای طرح برنامه‌دستی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی تأثیر دارد.

به‌منظور بررسی فرضیه شماره چهار پژوهش، مبنی بر بررسی تأثیر اجرای طرح برنامه‌دستی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، پس از اجرای سناریوی برنامه‌دستی خلاقیت‌محور، تحلیل انجام‌شده پیرامون این سؤال در قالب شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد) و نتایج تحلیل‌های آمار استنباطی (آزمون تی همبسته) در جدول شماره ۶ ارائه گردیده است.

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی همبسته مربوط به تأثیر اجرای طرح برنامه‌دستی

خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد	t	df	sig
۱۸	۵۶/۳۳	۱۵/۷۸	۳/۷۲	-۵/۲۰**	۱۷	۰/۰۰۰
۱۸	۸۲/۶۶	۲۵/۱۰	۵/۹۱			

$P \leq 0/05$ * $P \leq 0/01$ *

بررسی نتایج ارائه‌شده در جدول شماره ۶ در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه‌دستی خلاقیت‌محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش‌دبستانی، حاکی از آن است که مقدار آماره به‌دست‌آمده ($t=5/20$) در سطح معناداری $P \leq 0/01$ ، به لحاظ آماری معنادار بوده

(sig=۰/۰۰۰)؛ از این رو فرض صفر، مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پیش آزمون و پس آزمون رد شده و فرض خلاف، مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پیش آزمون و پس آزمون تأیید گردید.

نتایج نشان دهنده آن است که میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پس آزمون (میانگین ۸۲/۶۶)، به طور معناداری بیشتر از مرحله پیش آزمون (۵۶/۳۳) بوده که بیانگر تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی بوده است.

بحث و نتیجه گیری

بررسی نتایج در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی، حاکی از آن است که میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در بعد سیالی، در مرحله پس آزمون به طور معناداری بیشتر از مرحله پیش آزمون بوده؛ که نشانگر این است که جنبه سیالی در نظر گرفته شده در برنامه مذکور، توانسته است میزان سیالی را افزایش ببخشد. این امر، ناشی از پرداختن به سؤالات باز مطرح در برنامه است. بررسی نتایج در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد ابتکار، حاکی از آن است که میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در بعد ابتکار، در مرحله پس آزمون به طور معناداری بیشتر از مرحله پیش آزمون بوده؛ که بیانگر افزایش میزان ابتکار بوده است. در این خصوص، رسم نقاشی با موضوعات غیرعادی، تکمیل یک قصه ناتمام توسط کودکان و اجرای پانتومیم و نمایش خلاق، توانسته اند نقش چشمگیری در افزایش این میزان داشته باشند. همچنین بررسی نتایج در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی در بعد تخیل، حاکی از آن است که بین میزان خلاقیت کودکان دوره

پیش دبستانی در بعد تخیل، در مرحله پس آزمون پیش آزمون تفاوت معناداری وجود نداشته؛ که بیانگر عدم افزایش میزان تخیل کودکان بوده است. در نهایت، بررسی نتایج در خصوص تأثیر اجرای طرح برنامه درسی خلاقیت محور بر رشد درک خلاق کودکان دوره پیش دبستانی، حاکی از آن است که میزان خلاقیت کودکان دوره پیش دبستانی در مرحله پس آزمون به طور معناداری بیشتر از مرحله پیش آزمون بوده؛ که نشان دهنده این امر است که برنامه طراحی شده مذکور توانسته است به میزان چشمگیری تأثیر مثبت خود را بر روی میزان درک خلاقیت کودکان داشته باشد. هرچند که محتوای طراحی شده درصدد تقویت هر سه بعد (سیالی، ابتکار و تخیل) بوده است و در اجرای پانتومیم و نمایش خلاق، هدف اصلی افزایش میزان تخیل بوده؛ اما با این وجود هیچ گونه تأثیر مثبتی مشاهده نگردید. احتمال دارد، از آنجاکه شیوه نمره گذاری بعد تخیل نسبت به ابعاد سیالی و ابتکار دشوارتر است، این نتیجه حاصل گردیده است. در آزمون تورنس، فعالیت مربوط به تخیل، شیوه ای خاص برای نمره گذاری نیاز دارد. این شخص محقق است که باید در خصوص عملکرد کودکان قضاوت نماید؛ همین مسئله موجب می شود تا نمره گذاری در بخش تخیل، از استاندارد خاصی، همچون سایر فعالیت ها، برخوردار نباشد.

این نکته حائز اهمیت است که محتوای برنامه درسی خلاقیت محور می تواند نقش مؤثری در رشد درک خلاق کودکان داشته باشد. همچنین یافته های پژوهش حاضر اثبات نمود که امکان تقویت خلاقیت از نوع تورنسی در کودکان وجود دارد. روش طراحی شده حاضر این مزیت را دارد که قوه خلاقه کودک را رشد دهد و ارتقاء بخشد؛ و در کودکانی که از خلاقیت کمتری برخوردار هستند، حداقل می توان از این طریق شاهد بر هم ریختن نظام فکری معمول بود؛ که قطعاً در درازمدت اثر مثبت خود را خواهد گذاشت. ممکن است کودکان در ابتدا مقاومت نمایند و نتوانند اعمال و افکار معمول را رها سازند اما به تدریج می توان با به کارگیری برنامه مذکور تغییر مطلوب را در ایشان ایجاد نمود. به نظر محقق، در این طریق سیر و سلوک خلاقانه، سرعت و میزان پیشرفت اهمیتی ندارد؛ بلکه آنچه مهم است، در حرکت بودن و درجا

نزدن است. شاید نقش هدایت‌گری معلم در این راه، پررنگ‌تر از سایر نقش‌های وی باشد. همچنین برنامه‌طراحی‌شده، در اکثر واحدهای درسی قابلیت کاربرد دارد. این بدین معنی است که اگر طراحان هر سه بعد سیالی و ابتکار و تخیل و حتی انعطاف‌پذیری را که مورد توجه گیلفورد است، در نظر گیرند، قطعاً دیگر خلاقیت کودکی در فضای آموزشی از بین نخواهد رفت و در نگاه خوش‌بینانه‌تر، در آینده، افرادی خلاق پرورش و بکار گرفته خواهند شد.

در آخر این نکته قابل‌ذکر است که در نمره‌گذاری آزمون‌های کودکان، به‌منظور جلوگیری از اعمال‌نظر شخصی، فقط موارد مطرح در آزمون تورنس نمره‌گذاری شدند؛ هر چند که تورنس معتقد است، آزمونگر می‌تواند، برای حرکات و اعمال جدید که در لیست تورنس موجود نمی‌باشند، امتیاز سه (بالاترین امتیاز) را در نظر گرفت؛ بر همین اساس، اگر یافته‌های فراتورنس پژوهش حاضر که طی انجام کار به‌دست آمده‌اند اما محاسبه نگردیده‌اند، نیز دارای امتیاز می‌گردیدند، به‌طور حتم، تفاوت معنادار به‌دست آمده، با اختلاف بیشتری در دست بود؛ اما به دلیل حفظ اصالت این آزمون، این عمل انجام نگردید.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱. در آزمون تورنس، سه بعد سیالی، ابتکار و تخیل مطرح هستند؛ به نظر می‌آید بر اساس تجربیات به‌عمل آمده، چنانچه بعد «انعطاف‌پذیری» که در نظریه گیلفورد مطرح است، به‌عنوان بعد چهارم در آزمون تورنس مورد استفاده قرار گیرد، آزمون تورنس از جامعیت بیشتری برخوردار خواهد شد.
۲. پژوهش حاضر به‌صورت شبه تجربی صورت گرفته است؛ اگر طرحی با همین مضمون، با دو گروه کنترل و گواه انجام گیرد، نتایج با اعتبار بیشتری در دسترس خواهند بود.
۳. برای ایجاد قدرت تعمیم پیشنهاد می‌گردد، پژوهش حاضر در مناطق مختلف شهر تهران به اجرا دربیاید.

۴. شناسایی علت عدم تأثیر طرح طراحی شده، در بعد تخیل ضروری است.
۵. آزمون تورنس نمره خلاقیت کل کلاس و گروه را مشخص می‌کند. اگر در همین آزمون، پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر کودک به صورت مجزا محاسبه گردد، نیاز هر فرد مشخص خواهد شد.
۶. اجرای برنامه به صورت صحیح، نیاز به یک مربی خلاق و مدبر دارد تا بی‌نظمی‌های حاصله از روش‌های خلاق را تحت کنترل خود درآورد.

منابع

- امیرحسینی، خسرو. (۱۳۸۵). *خلاقیت و نوآوری* (چاپ دوم). تهران: عارف کامل.
- امیری، شعله؛ و اسعدی، سمانه. (۱۳۸۶). روند تحولی خلاقیت در کودکان. *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ۹(۴)، ۲۶-۳۲.
- پیری، رباب و ادیب، یوسف (۱۳۸۸). الگوی بهینه برنامه درسی برای دوره پیش از دبستان. *علوم تربیتی*، ۲(۵)، ۵۳-۸۲.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خود پنداره دانش‌آموزان. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۶(۲۳)، صص ۱۶۸-۱۴۷.
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۸۹). *راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی* (چاپ پنجم). تهران: مدرسه.
- سام‌خانیا، محمد ربیع. (۱۳۸۱). *خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی* (چاپ اول). تهران: اسپند هنر.
- سعادت‌مند، زهره، لیاقت دار، محمدجواد و صادقیان، زهرا. (۱۳۹۱). نیازسنجی برنامه درسی دوره پیش‌دبستانی تحت نظر آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران و مربیان شهر اصفهان. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی* ۹(۳۵)، ۱۳۲-۱۴۵.
- سیدان، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). *هنجاریابی مقدماتی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت تورنس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. روان‌شناسی تربیتی. دانشگاه تربیت معلم تهران.

- عزیززاده، سهیلا. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش خلاقیت بر افزایش نگرش کارآفرینانه بیکاران شهر تهران. کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- علی‌یاری، مجتبی. (۱۳۸۶). بررسی مبانی فلسفی خلاقیت از نظر کاربرد آن در روش‌های تدریس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- کلانتر قریشی، منیر، عین‌الله زادگان، رقیه و در تاج، فریبرز. (۱۳۹۰). رابطه صفات شخصیتی و خلاقیت در نوجوانان. فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱(۳): ۱۳۱-۱۴۴.
- محمد داوودی، امیرحسین؛ و مقیمی، معصومه. (۱۳۹۲). ارزیابی مدل فعالیت‌های یادگیری خلاقیت محور در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ساوه. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴(۱)، ۱۶۷-۱۸۱.
- مزیدی، محمد و گلزاری، سیما. (۱۳۹۰). بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه‌های خلاقیت. پژوهش‌های برنامه‌درسی، ۱(۱)، ۶۹-۱۰۹.
- نادری، عزت‌الله و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران. تفکر و کودک، ۳(۱)، ۹۱-۱۱۷.
- نوفروستی، اعظم؛ حمید پور، حسن و دروگر، خدیجه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین گفتار خصوصی و خلاقیت در کودکان پیش‌دبستانی. دانشگاه الزهراء (س). مطالعات روان‌شناختی، ۶(۴)، صص ۱۲۴-۱۰۵.
- ویلسون، ویکتوریا. شکوفایی خلاقیت فرزندان. ترجمه جبرائیل نعمت‌زاده. (۱۳۹۱). تهران: کانیا.

ÖNGÜN, E., Altash, D. and Demirag, A. (2011). A Study of 8th Graders' Perceptions of Socio-Cultural Perspective of Creativity by Using Information Technology Tools in Realization of Homework's Goal. *The Turkish Online Journal of Educational Technology*, 10(3), p 21-26.

Cheung, R. H. P., & Mok, M. M. C. (2013). A Study of Early Childhood Teachers' Conceptions of Creativity in Hong Kong. *Educational Psychology*, 33(1), 119-133.

Cho, Y., Chung, H. Y., Choi, K., Seo, C. & Baek, E. (2013). The Emergence of Student Creativity in Classroom Settings: A Case Study of Elementary Schools in Korea. *Journal of Creative Behavior*, 47(2), 152-169.



- Hu, W., Wu, B., Jia, X., Yi, X., Duan, C., Meyer, W., & Kaufman, J. C. (2013). Increasing Students' Scientific Creativity: The Learn to Think Intervention Program. *Journal of Creative Behavior*, 47(1), 3-21.
- Runco, M. A. (2008). *Creativity and Education*. California State University, Fullerton, and the Norwegian School of Business Administration and Economics. Retived 02 July 2014 from <http://www.coe.uga.edu>.
- Shaheen, R. (2010). Creativity and Education, *Creative Education* 1(3), 166-169.
- Stojanova, B. (2010). Development of creativity as a basic task of the modern educational System. *Procedia Social and Behavioral Science*, 2, 3395–3400.